

پیش‌بینی قربانی قلدری نوجوانان بر اساس دل‌بستگی به والدین و همسالان، شفقت به

خود با توجه به نقش میانجی حل مشکل

مسامراومند¹، حسن عشایری²، هومن نامور^{3*}

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۳	هدف اصلی این پژوهش، بررسی ارائه مدلی در راستای پیش‌بینی قربانی قلدری نوجوانان بر اساس دل‌بستگی به والدین و همسالان، شفقت به خود با نقش میانجی حل مشکل است که در میان نوجوانان دوره اول مقطع متوسطه (کلاس ششم تا هشتم) انجام شد. در قالب یک طرح همبستگی به شیوه مقطعی، ۳۲۰ نفر از نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال شهر تهران به روش نمونه‌گیری هدفمند با استفاده از فرمول کلاین انتخاب شدند، که پس از گردآوری داده‌ها، تعداد ۳۱۲ پرسشنامه قابل تجزیه و تحلیل بوده است و از شرکت‌کنندگان خواسته شد به پرسشنامه‌های استاندارد قلدری ایلی نوز (۲۰۰۱)، دل‌بستگی نوجوانان به والدین و همسالان آرمسدن و گرینبرگ (۱۹۸۷)، حل مشکل هینز و پترسون (۱۹۸۲)، شفقت به خود نف (۲۰۰۳) پاسخ دهند. به منظور تحلیل داده از نرم‌افزارهای Spss نسخه ۱۹ و Smart-PLS نسخه ۳ استفاده شد. نتایج تحلیل مسیر نشان داد که ۷.۸۸ درصد از تغییرات قربانی قلدری ناشی از تغییرات متغیرهای انواع دل‌بستگی و شفقت به خود است و تمامی متغیرهای مذکور (به غیر از دل‌بستگی پدر) تأثیر معناداری بر قربانی قلدری دارند. همچنین نتایج مرتبط با نقش میانجی‌گری حل مسئله، نشان داد که انواع دل‌بستگی (به غیر از دل‌بستگی همسالان) و شفقت به خود از طریق حل مشکل بر قربانی قلدری نوجوانان به ترتیب ۰.۰۴۷-، ۰.۰۵۰۶- و ۰.۰۲۶۸- اثر غیرمستقیم دارد ($P < 0.001$). بر اساس یافته‌های این پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که حل مشکل در رابطه بین قربانی قلدری نوجوانان و انواع دل‌بستگی (مادر و پدر)، شفقت به خود نقش میانجی دارد. توجه به این مکانیسم‌ها می‌تواند در تدوین مداخلات پیشگیرانه و درمانی کارآمد برای نوجوان در مقابله با قربانی شدن توسط همسالان و ابتلا به نشانه‌های افسردگی مفید باشد.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۲۴	
نوع مقاله: تحقیق کمی	
واژگان کلیدی	
دل‌بستگی به والدین و همسالان، شفقت به خود، قربانی قلدری نوجوانان، حل مشکل	

۱. دانشجوی دکترای تخصصی روان‌شناسی عمومی، گروه روان‌شناسی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

۲. استاد بازنشسته، دانشکده علوم توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.

۳. نویسنده مسئول: استادیار، گروه روان‌شناسی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران. ✉

مقدمه

بررسی علمی تحول روان‌شناختی دوره نوجوانی^۱ نشان می‌دهد که این دوره با دگرگونی‌های چشمگیر بدنی، روانی و اجتماعی همراه است. بلوغ بدنی، هیجانی و اجتماعی این دوره پایه تحول زندگی بزرگسالی می‌شود. پس شناخت دگرگونی‌های این دوره از زندگی برای پژوهشگران علوم روان‌شناختی متمرکز بر تحول و پرورش بسیار مهم است (میوس، ۲۰۱۶، ص. ۱۹۶۹). یکی از رایج‌ترین شکل‌های پرخاشگری که با عمدی بودن، تکرار در طول زمان و عدم توازن قدرت مشخص می‌شود (الویس، ۱۹۷۱؛ نج، چائو و شوری، ۲۰۲۰، ص. ۱)، به‌طور فزاینده‌ای به‌عنوان یک مسئله جدی در سراسر کشور وجود دارد و با نتایج ناراضی‌تری از زندگی همراه است (آرناسون و همکاران، ۲۰۱۹، ص. ۱) و در شکل‌های مختلف (جسمانی، کلامی، ارتباطی و سایبری) خود را نشان می‌دهد، قلدری^۲ است (اسمیت و همکاران، ۲۰۱۸، ص. ۳) که در آن اغلب دانش‌آموزانی هدف قلدری قرار می‌گیرند که از سوی قلدر، ضعیف ادراک شده باشند (چن و همکاران، ۲۰۱۸، ص. ۱۴۹). از این رو یکی از استرس‌های بین فردی مهمی که نوجوانان ممکن است تجربه کنند، قربانی شدن^۳ توسط همسالان است (سویر، هایمل، ۲۰۱۵، ص. ۳۴۴). قربانی شدن توسط همسالان به تجربه رفتارهای پرخاشگرانه از سوی دیگر کودکان یا نوجوانانی گفته می‌شود که خواهر یا برادر فرد نبوده و لزوماً همسن فرد نیز نیستند و می‌تواند به شکل فیزیکی (مانند لگد زدن، مشت زدن)، کلامی (مانند ناسزا گفتن، تهدید کردن)، رابطه‌ای یا اجتماعی (مانند اخراج کردن از گروه، نادیده گرفتن) و شکل‌های دیگر خود را نشان دهد (هاکر و بلتون، ۲۰۰۰؛ یعقوبی، بیرشک، عاقبتی و عاشوری، ۱۴۰۰، ص. ۲۱). تحقیقات نشان می‌دهد عوامل فردی (اعم از جنسیت، سن و راهکارهای مقابله‌ای (وو و همکاران، ۲۰۲۲، ص. ۳) و عوامل اجتماعی (از جمله فقر، امور زناشویی، خشونت‌های خانوادگی و سبک‌های والدگری) می‌توانند رفتار قربانی بودن را پیش‌بینی کنند (دینگ، ۲۰۲۰، ص. ۴). بر اساس گزارش‌ها تقریباً ۱۵ درصد از نوجوانان توسط سبک‌های دلبستگی^۴ و قربانی زورگویی بودن توجه شده است (بدونا و مک گاورن، ۲۰۱۹، ص. ۵). افرادی که دلبستگی مادر و فرزندی ضعیفی را در دوران کودکی تجربه می‌کنند، بیشتر از افراد دیگر دچار ناامنی و قربانی قلدری همسالان می‌شوند (ایکس یو و همکاران، ۲۰۱۷، ص. ۴۵۹). در زمینه شکل‌گیری دلبستگی در کودک، نقش خانواده و چگونگی تأمین نیازهای کودک در دوران کودکی نقش مهمی ایفا می‌کند. هازن و شاور، (۱۹۸۷) بر اساس نظریه دلبستگی بالبی، دلبستگی بزرگسالان را پایه‌گذاری کردند. همچنین دلبستگی بزرگسالان را به‌عنوان ایجاد یک پیوند توسط یک بزرگسال

1. Adolescent psychosocial development
2. bullying
3. Bullying victimization
4. Attachment styles

با بزرگسال دیگر که در جنبه اساسی و مهم مشابه دلبستگی کودکان نسبت به مراقب اصلی خود ایجاد می‌کنند (اکبری بلوطبنگان و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۸۷).

سبک ارتباطی نوجوان با افراد مهم زندگی‌اش نیز در نقش وی، به‌عنوان زورگو یا قربانی تعیین کننده است (اتکینسون و همکاران، ۱۳۸۲؛ ترجمه براهنی، ص. ۱۸۶). نتایج تحقیقات حاکی از آن هستند که افراد قربانی زورگویی نسبت به افراد زورگو یا نوجوانانی که اصولاً درگیر زورگویی/قربانی شدن نیستند، بیشتر سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی^۱ دارند و لذا این نقش با چگونگی برقراری روابط نزدیک در آینده فرد ارتباط دارد (ایرلندو پاور، ۲۰۰۴، ص. ۳۰۱). پیوند دلبستگی ایمن با والدین می‌تواند به عنوان سپر، در ارتباط بین قربانی بودن در دوره جوانی و افکار ناکارآمد عمل کند (بالن و دوپرن و بالسزی، ۲۰۲۱، ص. ۱۵).

در پژوهش اکبری بلوطبنگان و همکاران (۱۳۹۸، ص. ۸۵)، از بین سبک‌های دلبستگی، تنها دلبستگی ایمن پیش‌بینی کننده منفی قربانی شدن دانش‌آموز می‌باشد. مسیری از پژوهش‌های تجربی، تأکید بر نقش دلبستگی به والد و همسالان در افراد زورگو/قربانی زورگویی شده است. قربانیان قلدری به جای حمایت از خود، به سرزنش کردن و حمله به خود می‌پردازند و پذیرش گرم و نامشروط نسبت به خود نشان نمی‌دهند (بدری گرگری، آذر، نعمتی و محمدی، ۱۴۰۰، ص. ۳۵). در نتیجه، خودشفقت‌ورزی کمتری نسبت به خود داشته باشند (بنسیمن، ۲۰۱۷، ص. ۴۵). شفقت به خود را به عنوان سازه‌ای سه مؤلفه‌ای از قبیل مهربانی با خود (توسعه درک و مهربانی نسبت به خویشتن به‌جای خودانتقادی و قضاوت سختگیرانه)، تجربه انسانی مشترک (تجربه خویشتن را به‌عنوان بخشی از تجربه جامعه انسانی دیدن به‌جای شخصی سازی و ایزوله شدن) و ذهن آگاهی (نگه داشتن افکار و احساسات دردناک در آگاهی به‌صورت متعادل به‌جای شناسایی عمیق و بیش از حد آنها) می‌توان تعریف نمود. (نف و گرمر، ۲۰۰۳؛ یان و همکاران، ۲۰۲۲، ص. ۲). دانش‌آموزانی که نسبت به خود شفقت کمتری دارند، میزان بیشتری از خودانتقادگری مواجهه می‌شوند. بنابراین زمانی که هرچه بیشتر دیگران را مورد انتقاد قرار می‌دهند، خودشان احساس بهتری پیدا می‌کنند و همکلاسی‌هایشان را مورد قلدری قرار می‌دهند (بلوس و بلنتون، ۲۰۱۴، ص. ۱۳۰۶). تحقیقات بسیاری نشان می‌دهند شفقت به خود به چند دلیل، استراتژی مقابله‌ای مفید در موقعیت‌های دشوار است؛ اول اینکه تفکر سازنده را تشویق و احساسات مثبت را تقویت می‌کند (بدری گرگری، فتحی آذر، نعمتی و محمدی، ۱۴۰۰، ص. ۳۶). دوم اینکه سلامت روانی مثبت و عملکرد روان‌شناختی سازگار را پیش‌بینی می‌کند (یارنلو نف، ۲۰۱۳، ص. ۱۴۷).

یکی از مفاهیمی که ارتباط نزدیکی با قلدری و قربانی بودن دارد مهارت حل مشکل می‌باشد. حل مشکل^۱ یک راهبرد مقابله‌ای^۲ مهم است که توانایی و پیشرفت شخصی و اجتماعی را افزایش و تنیدگی نشانه‌های روانی را کاهش می‌دهد (سمیعی زفرقندی و زارع بیدکی، ۱۳۹۹، ص. ۶۴). حل مشکل، مهارتی مقابله‌ای و عملی است که موجب افزایش اعتمادبه‌نفس می‌شود و با سازگاری شخصی ارتباط دارد که شامل پنج گام است: ادراک خویشستن، تعریف مشکل، تهیه مشکل، تهیه فهرستی از راه حل‌های مختلف، تصمیم‌گیری در مورد مناسب‌ترین راه حل و امتحان کردن راه حل انتخابی (مرادی و قبادی، ۱۳۹۹، ص. ۵۸). در همین راستا بر اساس شواهد تجربی کاربست مداخله حل مشکل محور از اساسی‌ترین روش ساختارمند برای تعدیل مشکلات رفتاری در کودکان و نوجوانان است. حل مشکل اشاره به یک فرایند شناختی-رفتاری دارد که دامنه‌ای از پاسخ‌های بدیل و بالقوه را برای مقابله با شرایط مشکل‌ساز فراهم می‌کند و امکان انتخاب بهترین و مؤثرترین پاسخ‌های بدیل را افزایش می‌دهد؛ به همین سبب است که یادگیری به‌دست‌آمده از حل مشکل، از دیگر یادگیری‌ها بیشتر و بهتر بوده، و قابلیت انتقال بیشتری به موقعیت‌های جدید دارد (مرادی و اقدسی (۱۳۹۶)؛ جلیلی، حجازی، فومنی و مروتی، ۱۳۹۷، ص. ۸). نتایج پژوهش‌های مرادی و اقدسی (۲۰۱۷، ص. ۱۲۹) نشان می‌دهد که هر دو دانش‌آموز قلدر و قربانی، سطوح پایینی از حل مشکل دارند و ادعا می‌کنند که دانش‌آموزان خصوصاً مردان به قلدری متوسل می‌شوند، چرا که آنها نمی‌دانند چگونه مشکل خود را حل کنند.

بنابراین، با توجه به حساسیت‌های دوران جوانی و کمبود توجه اطرافیان به این دوره، بررسی و انجام پژوهش‌هایی در رابطه با جوانی ضروری به نظر می‌رسد. محققان نوجوانی را به‌عنوان جاده‌ای رو به جوانی که پوشیده از خطرات پی‌درپی است، تعریف نموده‌اند (لدفورد، ۲۰۱۸، ص. ۴۲۹)، به طوری که حدود ۱۶٪ از بار جهانی اختلالات روانی و مشکلات رفتاری به نوجوانان بین ۱۰ تا ۱۹ سال نسبت داده شده است (رحم و شیلد، ۲۰۱۹، ص. ۲). بسیاری از محققان به ارتباط بین قربانی شدن و علائم درون‌ساز، از قبیل افسردگی و اضطراب (سن سون و همکاران، ۲۰۱۱؛ لی و ویلنکورت، ۲۰۱۸، ص. ۶۰۶)، که ممکن است ناشی از بدتنظیمی هیجان، عزت نفس پایین، صرف-نظر کردن از ارتباطات اجتماعی، انزوا و تغییر یافتن واکنش‌های حاکی از استرس به تجارب مرتبط با پدیده قلدری باشد (همیلتن، نیومن، دوویل، ۲۰۰۸، ص. ۱).. با این همه، ارتباط دیگری بین قربانی شدن و علائم برون‌ساز از قبیل بزهکاری، مصرف مواد و رفتارهای مسئله‌ساز نافرمانی وجود دارد. (والتر و اسپلاگ، ۲۰۱۸؛ چو و پارک، ۲۰۲۲، ص. ۵). با توجه به محدودیت مطالعات در ارتباط با تشخیص و ارزیابی ویژگی‌های شخصیت سالم به‌ویژه شاخص‌ترین ویژگی‌های آن و عوامل مرتبط با آن، در این تحقیق به بررسی عوامل مرتبط با رابطه دلبستگی به والدین و همسالان، شفقت به

خود با قربانیان قلدری و بررسی نقش واسطه‌ای حل مشکل در نوجوانان پرداخته شده است؛ از این رو، پرسش اساسی که در این تحقیق مطرح می‌شود این است که: سهم دلبستگی به والدین و همسالان، شفقت به خود با توجه به نقش میانجی حل مشکل برای پیش‌بینی و قربانی قلدری به چه میزان است؟

یعقوبی و همکاران (۱۴۰۰، ص. ۱۶) با عنوان نقش میانجی شرم بیرونی و شفقت به خود در رابطه بین قربانی شدن توسط همسالان و نشانه‌های افسردگی در نوجوانان بیانگر آن است که قربانی شدن توسط همسالان به صورت غیرمستقیم از طریق شرم بیرونی و شفقت به خود بر نشانه‌های افسردگی تأثیر غیرمستقیم می‌گذارد. نتایج مطالعه مرادی و همکاران (۱۳۹۶، ص. ۷۷) با عنوان بررسی اثربخشی آموزش حل مشکل به شکل گروهی بر کاهش میزان افسردگی و کاهش میزان قربانی شدن دانش‌آموزان قربانی قلدری نشان داد که آموزش مهارت‌های حل مشکل به شکل گروهی بر کاهش میزان افسردگی و کاهش میزان قربانی شدن دانش‌آموزان قربانی قلدری مؤثر بود. مطالعه بیابانی علی‌آباد و همکاران (۱۳۹۵، ص. ۳۷۰) نشان داد که در میزان دلبستگی به والدین، همسالان و خواهران و برادران بین نوجوانان درگیر و غیر درگیر در زورگویی تفاوت معناداری وجود دارد. گروه غیر درگیر در مقایسه با گروه‌های درگیر، نمرات بالاتری را در میزان دلبستگی به والدین نسبت به گروه همسالان و خواهران و برادران به دست آوردند، همچنین در میان گروه‌های درگیر، گروه زورگو و زورگو قربانی بعد از دلبستگی به مادر نمرات بالاتری را در میزان دلبستگی به همسالان کسب کردند. در نهایت، میزان دلبستگی به خواهران و برادران در همه گروه‌ها کمترین میزان نمرات دلبستگی را به خود اختصاص داد. مطالعه محمدی و همکارانش (۱۴۰۱، ص. ۱۳۱) با عنوان نقش میانجی‌گری خشم در رابطه بین حمایت اجتماعی ادراک‌شده با قلدری-قربانی سایبری در دختران نوجوان بیانگر آن است که توجه به حمایت اجتماعی ادراک‌شده و خشم در دانش‌آموزان دختر برای شناسایی عوامل مؤثر بر قلدری-سایبری آنان ضروری است در یافته پژوهشی گادز، سنتوز و همکاران (۲۰۱۸، ص. ۱۹۶) با عنوان مقایسه رفتار اجتماعی و دلبستگی ایمن ادراک شده نسبت به والدین در قربانی کردن همتایان نتایج نشان داد که قربانیان پرخاشگر میزان کمتری از دلبستگی ایمن نسبت به والدین شان در مقایسه با قربانیان غیرپرخاشگر نشان می‌دهند. مطالعه جیانگ و همکارانش (۲۰۱۶، ص. ۱۰۷) با عنوان روابط طولانی مدت بین قربانی کردن همتایان و همچنین رفتار خود آسیب‌رسانی (غیر از عمل خودکشی) و نیز اثر حمایت‌کنندگی و شفقت به خود و انسجام خانوادگی نشان داد که پدیده ی قربانی کردن همتایان پیش‌بینی‌کننده رفتار آسیب‌رسان به خود (غیر از ارتکاب به عمل خودکشی) می‌باشد، که این ارتباط میزان بالایی از شفقت به خود را تضعیف می‌کند. مطالعه گانینر و همکاران (۲۰۱۶، ص. ۱) با عنوان بررسی عوامل مرتبط با قلدری از قبیل نارضایتی از مدرسه، علائم افسردگی و خطر خودکشی نشان داد که

ذهن آگاهی به طور منفی با ارتکاب به قلدری و قربانی شدن در اواسط دوره نوجوانی مرتبط می‌باشد، لذا هر چقدر فرد میزان بالایی از شفقت به خود را داشته باشد، احتمال ارتکاب به قلدری و همچنین قربانی شدن کمتر می‌شود. نتایج مطالعه کوکینز و همکاران (۲۰۱۴، ص. ۱۷۴) با عنوان بررسی روابط قلدری و قربانیان قلدری، سبک‌های دلبستگی و فرزند پروری نشان داد که هر دو پدیده با سبک فرزند پروری ادراک‌شده (که رابطه مثبت با طردشدن و رابطه منفی با گرمای عاطفی) مرتبط می‌باشد. کودکانی که دلبستگی ناایمن دارند بیشتر در معرض قلدری و همچنین به‌عنوان قربانی قرار می‌گیرند، به همین دلیل میزان کمتری از گرمی (حرارت و صمیمیت) و به همان نسبت میزان بالایی از طرد شدن از سوی همسالان نشان داده می‌شود. نتایج حاکی از آن است که قلدری و مورد قلدری واقع شدن براساس فرزندپروری ادراک‌شده قابل پیش‌بینی می‌باشد، درحالی که مورد قلدری واقع شدن بیشتر بر اساس دلبستگی ناایمن، خصوصیات رفتاری دانش‌آموزان و فرزند پروری والدین قابل درک می‌باشد. مسیرهای مختلفی که در این پژوهش وجود داشت، قربانی قلدری، دلبستگی به والدین و همسالان و شفقت بر خود در این فرایند، در واقع مسیرهایی بود که تا پیش از این هم در مدل‌های بدونا و پرون-مک‌گاورن (۲۰۱۹، ص. ۱)، یان و همکاران (۲۰۲۲، ص. ۱) و جیو و همکاران (۲۰۲۲، ص. ۱) کمی دیده شد، با این‌همه، متغیر میانجی حل مشکل در فرایند قربانیان قلدری کمتر دیده شده بود و به‌عنوان متغیر بی‌بدیل در این فرایند دیده شد.

روش پژوهش

روش اجرای این پژوهش، توصیفی (غیرآزمایشی) و طرح پژوهش، همبستگی از نوع معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه نوجوانان ۱۵-۱۲ سال شهر تهران در سال ۱۳۹۹ تشکیل داده بودند. براساس فرمول تعیین حجم نمونه کلاین (فرمول ۱ به ۲۰) برای حجم نمونه، تعداد ۳۲۰ تن انجام شده است، پس از توزیع پرسشنامه به‌صورت حضوری و الکترونیکی تعداد ۳۱۲ پرسشنامه قابل تجزیه و تحلیل گردآوری شد. برای ورود به عنوان نمونه تحقیق، معیارهایی لحاظ شده است که عبارتند از: ۱. نوجوان تحت هر شرایطی به لحاظ روحی و جسمی مورد قلدری قرار گرفته است، ۲. هیچ داروی روان‌پزشکی مصرف نکنند. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش، پرسشنامه‌های استاندارد قلدری^۱ ایلی نیوز (۲۰۰۱)، دلبستگی نوجوانان به والدین و همسالان آرمسدن و گرینبرگ (۱۹۸۷)، حل مشکل هینز و پترسون (۱۹۸۲)، شفقت به خود^۲ نف (۲۰۰۳) است، که در ادامه هر یک به‌صورت مختصر معرفی می‌شوند:

پرسشنامه قلدری ایلی نیوز: مقیاس قلدری ایلی نیوز (IBS) توسط اسپلاگه و هولت (۲۰۰۱) ساخته شد. مقیاس قلدری ایلی نیوز (۲۰۰۱) شامل ۱۸ گویه و سه خرده‌مقیاس قلدری (۹ سؤال)،

1. Illinois bullying scale
2. Self-compassion scale

زد و خورد (۵ سؤال) و قربانی (۴ سؤال) تشکیل شده است که به منظور سنجش رفتارهای قلدرمآبانه و قربانی بودن در فرد به کار می‌رود. نمره‌گذاری پرسشنامه به صورت طیف لیکرت ۵ درجه‌ای می‌باشد که برای گزینه‌های هرگز، یک یا دو بار، سه یا چهار بار، پنج یا شش بار و هفت بار به ترتیب امتیازات ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ در نظر گرفته می‌شود. در این مقیاس هر بعد نمره جداگانه‌ای دارد. نمره بالا در هر زیر مقیاس بیانگر بروز بیشتر همان‌گونه رفتار در آزمودنی است. اسپلاگه و هولت (۲۰۰۱) این مقیاس را روی ۴۲۲ دانش‌آموز (۲۱۴ دختر و ۲۰۸ پسر) پایه پنجم، ششم و هفتم اجرا کردند. برای بررسی پایایی مقیاس یادشده نیز از دو روش آلفای کرونباخ و بازآزمایی استفاده کردند که این ضریب برای هر یک از زیرمقیاس‌های قلدری ۰/۸۷، زیرمقیاس نزاع ۰/۸۳ و برای زیرمقیاس قربانی ۰/۸۸ به دست آمد. شجاع و عطا (۲۰۱۱) در پژوهشی دیگر ضریب آلفای کرونباخ برای این مقیاس و زیرمقیاس‌های قلدری، قربانی، زد و خورد، نمره کل، را به ترتیب ۰/۸۲، ۰/۸۱ و ۰/۷۳ به دست آوردند که نشان از پایایی مطلوب این ابزار بود. در مطالعه چالمه (۱۳۹۲) ضریب آلفای کرونباخ و دونیمه‌سازی این مقیاس بر روی دانش‌آموزان برای کل مقیاس و ابعاد آن ۰/۶۲ تا ۰/۹۲ به دست آمد. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ پایایی برابر با ۰/۸۱۴ شده است که میزان قابل قبولی است.

پرسشنامه دلبستگی نوجوانان به والدین و همسالان آرمسدن و گرینبرگ (۱۹۸۷):^۱ (IPPA)
آزمون دلبستگی به والدین و همسالان آرمسدن و گرینبرگ (۱۹۸۷) به منظور ارزیابی تصور نوجوانان در مورد ابعاد مثبت و منفی عاطفی/شناختی رابطه با والدین و دوستان صمیمی‌شان، بر پایه نظریه دلبستگی بالبی ساخته شد. این آزمون دارای سه زیرمقیاس: میزان اعتماد، کیفیت رابطه و میزان خصومت و احساس بیگانگی است. این پرسشنامه ۷۵ سؤال دارد که هر چه نمره‌ها بالاتر باشد، نشان‌دهنده ایمنی بیشتر در روابط است. شرکت‌کنندگان میزان تطابق هر جمله را در مورد خود، روی یک مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت نشان می‌دهند. آرمسدن و همکاران (۱۹۹۱)، در تحقیقی روی یک گروه از آزمودنی‌های ۱۰ تا ۱۶ ساله مبتلا به روان‌پریشی، بین دلبستگی ایمن به والدین و نمره‌های افسردگی رابطه منفی به دست آوردند. روایی بازآزمون این پرسشنامه در پژوهش پاکدامن، سید موسوی و قنبری (۱۳۹۰)، برای والدین ۰/۹۳ و برای همسالان ۰/۸۶ گزارش شده است. ضریب پایایی برای دلبستگی به والدین ۰/۸۹ و برای دلبستگی به همسالان ۰/۸۸ به دست آمده است. ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس نیز بدین شرح است: دلبستگی به مادر = ۰/۸۷، دلبستگی به پدر = ۰/۸۹ و دلبستگی به همسالان ۰/۹۲ می‌باشد. در این پژوهش، آلفای کرونباخ پایایی برای پرسشنامه‌های پدر، مادر و همسالان به ترتیب برابر با ۰/۹۸۳، ۰/۹۸۷ و ۰/۹۸۴ شده است که میزان قابل قبولی می‌باشد.

پرسشنامه حل مشکل هینر و پترسون (۱۹۸۲) (PSI): پرسشنامه حل مشکل توسط هینر و پترسون (۱۹۸۲) برای سنجش درک پاسخ‌دهنده از رفتارهای حل مشکل تهیه شده است. آنها سه خرده‌مقیاس در پرسشنامه حل مشکل مطرح ساخته‌اند که از این قرارند: اعتماد به حل مشکل با ۱۱ گویه، سبک‌گرایش - اجتناب با ۱۶ گویه، و مهار شخصی با ۵ گویه. این پرسشنامه، ۳۲ گویه دارد و برای اندازه‌گیری چگونگی واکنش افراد به مسائل روزانه‌شان طراحی شده است. شیوه نمره‌گذاری و تفسیر این پرسشنامه بر مبنای ۶ سطح مقیاس لیکرت (از ۱ - کاملاً موافقم تا ۶ - کاملاً مخالفم) تدوین شده است. برای پیشگیری از سوگیری در پاسخ‌دهی ۱۵ عبارت با بیان منفی آورده شده است (به شکل معکوس نمره‌گذاری می‌شود). نمره کل پرسشنامه از جمع نمرات همه پاسخ‌ها به دست می‌آید که دامنه نمره کل آن ۳۲ تا ۱۹۲ است. هینر و پترسون در سال ۱۹۸۲ پرسشنامه حل مشکل را با چندین نمونه از آزمودنی‌ها تنظیم و آزمایش کردند و همسانی درونی نسبتاً بالایی با مقادیر آلفایی بین ۰/۷۲ تا ۰/۸۵ در خرده‌مقیاس‌ها و ۰/۹۰ برای مقیاس کلی گزارش کردند. بررسی روایی آزمون نشان داد که ابزار، سازه‌هایی را اندازه‌گیری می‌کند که مربوط به مهارت حل مشکل هستند. اعتبار بازآزمایی نمره کل پرسشنامه در فاصله دو هفته، در دامنه‌ای ۰/۸۳ تا ۰/۸۹ گزارش شده است که بیانگر این است که پرسشنامه حل مشکل ابزاری پایا برای سنجش توانایی حل مشکل است. این پرسشنامه توسط رفعتی و با راهنمایی خسروی در سال ۱۳۷۵ ترجمه و برای نخستین بار در ایران استفاده شد. آلفای کرونباخ به دست آمده در تحقیق خسروی، درویشه و رفعتی (۱۳۷۷)، ۰/۸۶ و در تحقیق بذل (۱۳۸۳) ۰/۶۶ گزارش شده است، که در حد قابل قبولی است. در این پژوهش، آلفای کرونباخ پایایی برابر با ۰/۹۸۱ شده است که میزان قابل قبولی است.

پرسشنامه شفقت به خود مقیاس خود شفقت‌ورزی (SCS): یک ابزار خود گزارش‌دهی ۲۶ گویه‌ای است که توسط نف (۲۰۰۳a) به منظور سنجش خود شفقت‌ورزی ساخته شده است. سؤالات موجود در آن در ۶ زیرمقیاس مهربانی با خود (۵ گویه) در مقابل قضاوت در مورد خود (۵ گویه)، احساسات مشترک انسانی (۴ گویه) در مقابل انزوا (۴ گویه) و هوشیاری (۴ گویه) در مقابل همانندسازی فزاینده (۴ گویه) قرار می‌گیرد که کیفیت رابطه فرد با تجارب خود را می‌سنجد. پاسخ‌های این مقیاس در یک دامنه پنج درجه‌ای لیکرت، از کاملاً مخالف (نمره ۱) تا کاملاً موافق (نمره ۵)، سنجیده می‌شوند و نمره‌گذاری در سه زیرمقیاس قضاوت خود، انزواسازی و همانندسازی افراطی به صورت معکوس انجام می‌شود و همچنین نمره کل آزمون از مجموع نمرات به دست می‌آید. کسب امتیاز بیشتر نشانگر شفقت بیشتر نسبت به خود است. پژوهش انجام‌شده توسط نف (۲۰۰۳a)، پایایی و روایی بالایی را برای مقیاس یادشده گزارش نموده و ثبات درونی ۰/۹۲ و قابلیت اعتماد باز آزمون آن ۰/۹۳ به دست آمده است. در نسخه

فارسی نیز روایی مقیاس محاسبه شد و نتایج معنادار بود (مؤمنی و همکاران، ۱۳۹۲). همسانی درونی مقیاس خود شفقت‌ورزی بر حسب ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد و با ضریب همبستگی ۰/۷ مورد تأیید قرار گرفت. ضریب آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس‌های مهربانی با خود، قضاوت با خود، اشتراکات انسانی، انزوا، هوشیاری و همانندسازی فرایند به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۷۹، ۰/۸۴، ۰/۸۵، ۰/۸۰، ۰/۸۳ بوده است. درستی پرسشنامه نیز مطلوب گزارش شده است. (خسروی، صادقی و یابنده، ۱۳۹۲). در این پژوهش، آلفای کرونباخ پایایی برابر با ۰/۹۶ شده است که میزان قابل قبولی است.

روایی و پایایی پرسشنامه‌ها با توجه به استاندارد بودن آنها حاصل بود، ولی با این حال در مورد روایی از تعدادی از خبرگان در این زمینه نظرخواهی شد که صحت و روایی پرسشنامه‌ها را تأیید نمودند. برای بررسی پایایی پرسشنامه‌ها نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که برای متغیرهای حل مشکل، دلبستگی مادر، دلبستگی همسالان، دلبستگی پدر، شفقت به خود و قربانی قلدری به ترتیب برابر است با: ۰/۹۵۵، ۰/۹۷۸، ۰/۹۷۷، ۰/۹۶۶، ۰/۹۳۶ و ۰/۸۰۶. برای بررسی داده‌ها از روش تحلیل مسیر استفاده شد و نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۱۹ و SmartPLS نسخه ۳ به کار برده شده‌اند.

یافته‌های پژوهش

در ابتدای بخش آماری به بررسی وضعیت توصیفی متغیرهای پژوهش پرداخته می‌شود:

جدول شماره ۱. بررسی نمرات متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار	وضعیت
شرمساری	۸	۴۰	۱۰.۲۵	۱۶.۷	متوسط
دلبستگی مادر	۲۱	۱۰۵	۱۶.۶۶	۸۷.۲۲	متوسط
دلبستگی پدر	۲۱	۱۰۵	۸۳.۶۴	۶۳.۲۱	متوسط
دلبستگی همسالان	۲۴	۱۲۰	۸۳.۷۵	۳۲.۲۲	متوسط
شفقت به خود	۳۰	۱۳۰	۹۵.۸۰	۳۱.۲۲	متوسط رو به بالا
تنظیم هیجان منفی	۰	۹۴	۸۶.۵۲	۹۹.۱۶	متوسط رو به بالا
تنظیم هیجان مثبت	۰	۶۰	۲۷.۳۷	۲۴.۱۱	متوسط رو به بالا
حل مسئله	۳۷	۱۹۲	۷۷.۹۸	۲۸.۳۲	ضعیف
قربانی قلدری	۰	۲۰	۱۲.۴	۸۹.۳	پایین

در جدول شماره ۱ به میزان دامنه تغییرات نمرات متغیرها، میانگین و انحراف معیار آنها اشاره شده است. میانگین شرمساری برابر با ۱۰.۲۵ می‌باشد که یافته‌های این پژوهش نشان داد از میانگین ۲۴ (حد متوسط)، بالاتر می‌باشد. برای متغیر تنظیم هیجانی (مثبت و منفی) حد متوسط نظری پرسشنامه برابر با ۱۰۸ (دامنه ۷۲ تا ۱۰۸) می‌باشد که میانگین نمونه تحقیق برابر با ۹۰.

۱۳ (مجموع ابعاد تنظیم هیجانی منفی و مثبت) است و در حد متوسط قرار دارد. برای متغیر شفقت به خود، میانگین نظری برابر با ۶۵ (دامنه ۴۴ تا ۸۴) است که نمونه تحقیق دارای میانگین ۸۰.۹۵ می‌باشد و نشان‌دهنده وضعیت متوسط رو به بالای این است. در نهایت برای متغیرهای دل‌بستگی به مادر، پدر و همسالان حد متوسط نظری برابر با ۶۳ می‌باشد که نمونه برای مادر، پدر و همسالان به ترتیب میانگین ۱۶.۶۶، ۸۳.۶۴ و ۸۳.۷۵ می‌باشد و نشان‌دهنده در حد متوسط بودن نمره نمونه تحقیق است. برای متغیر حل مسئله حد متوسط نظری برابر با ۱۱۲ می‌باشد که نمونه دارای میانگین ۷.۹۸ است و نشان‌دهنده پایین بودن نمره آن در این متغیر است. در گام بعد، با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، نرمال بودن متغیرهای تحقیق بررسی شده است:

جدول شماره ۲. آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای نرمال بودن متغیرهای تحقیق و آزمون لون برای بررسی همگنی واریانس‌ها

آزمون لون	Z کولموگروف-اسمیرنوف	شاخص‌ها
P-value	P-value	قربانی قلدری
۵۹۹.۰۰	۰۵۴.۰۰	شرمساری
۳۷۲.۰۰	۱۹۱.۰۰	دل‌بستگی مادر
۶۷۶.۰۰	۰۱۶.۰۰	دل‌بستگی پدر
۱۲۵.۰۰	۱۹۳.۰۰	دل‌بستگی همسالان
۷۱۴.۰۰	۰۷۱.۰۰	شفقت
۰۶۳.۰۰	۰۰۶.۰۰	تنظیم هیجان منفی
۸۳۱.۰۰	۰۴۴.۰۰	تنظیم هیجان مثبت
۵۱۸.۰۰	۰۶۲.۰۰	حل مشکل
۱۱۱.۰۰	۰۶۹.۰۰	

با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون کولموگروف-اسمیرنوف در جدول شماره ۲ که برای متغیرهای دل‌بستگی مادر، شفقت و تنظیم هیجان منفی، کمتر از ۰/۰۵ است، نتیجه می‌شود که توزیع متغیرهای فوق ذکر تفاوت معناداری با توزیع نرمال نداشته است؛ ولی برای دیگر متغیرهای قربانی قلدری، شرمساری، قربانی قلدری، دل‌بستگی پدر، دل‌بستگی همسالان، تنظیم هیجان مثبت و حل مشکل با توجه به سطح معناداری که بالاتر از ۰/۰۵ است دارای توزیع نرمال می‌باشند. با توجه به نرمال نبودن متغیرهای پژوهش برای بررسی فرضیه‌های پژوهش از نرم افزار معادلات ساختاری SmartPLS استفاده شده است. همچنین در خروجی آزمون لون با توجه به سطح معناداری که بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است؛ لذا همگنی واریانس‌ها مورد تأیید قرار می‌گیرد.

در ادامه برای بررسی فرضیه‌های پژوهش از نرم افزار معادلات ساختاری SmartPLS استفاده شده است که نتایج آن را در تصویر شماره ۱ می‌بینید:

دلبستگی دوستان	حل مشکل	قربانی	-۳۵۹.۰	-۰۱۴.۰	-۳۷۳.۰	۷۲۱.۱	عدم تأیید رابطه
شفقت به خود	حل مشکل	قربانی	-۲۵۱.۰	-۰۱۷.۰	-۲۶۸.۰	۱۴.۲	تأیید رابطه

در رابطه با میانجی‌گری حل مشکل در رابطه دلبستگی پدر و قربانی، با توجه به نبودن رابطه مستقیم دو متغیر دلبستگی پدر و قربانی، در محاسبه شدت تأثیر کلی، تنها شدت تأثیرگذاری حالت میانجی ارائه شده است.

در گام بعدی نیز شاخص روایی واگرا (فورنل و لارکر) بررسی می‌شود:

جدول شماره ۴. روایی تشخیصی فورنل و لارکر

	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱ حل مشکل	۹۵۸.۰					
۲ دلبستگی مادر	۷۴.۰	۹۷۹.۰				
۳ دلبستگی همسالان	۵۹۴.۰	۸۱۴.۰	۹۷۸.۰			
۴ دلبستگی پدر	۳۷۹.۰	۱۸۳.۰	-۰.۰۳.۰	۹۶۷.۰		
۵ شفقت به خود	۶۷۱.۰	۷۷۸.۰	۷۵۶.۰	۷۵۵.۰	۸۷۱.۰	
۶ قربانی	-۷۵۱.۰	-۹۰۳.۰	-۸۱۴.۰	-۱۹۹.۰	-۵۰۴.۰	۷۹۷.۰

همان‌طور که در جدول شماره ۴ می‌بینید، مقادیر موجود در روی قطر اصلی ماتریس، از تمامی مقادیر موجود در ستون مربوط آن بزرگتر است و نشان‌دهنده آن است که در مدل ما دارای اعتبار تشخیص مناسبی است. در مرحله بعد به بررسی شاخص‌های برازش آزمون کیفیت مدل اندازه‌گیری و کیفیت مدل ساختاری پرداخته می‌شود:

جدول شماره ۵. آزمون کیفیت مدل اندازه‌گیری و کیفیت مدل ساختاری

متغیر	CV_red	CV_Com	وضعیت متغیر
حل مشکل	۵۵۷.۰	۷۷۸.۰	قابل قبول
دلبستگی مادر	---	۸۴۷.۰	قابل قبول
دلبستگی همسالان	---	۸۴۵.۰	قابل قبول
دلبستگی پدر	---	۸۰۸.۰	قابل قبول
شفقت به خود	---	۶۵۵.۰	قابل قبول
قربانی	۵۳۴.۰	۳۹۲.۰	قابل قبول

شاخص CV Com توانایی مدل را در پیش‌بینی متغیرهای مشاهده پذیر از طریق مقادیر متغیر پنهان متناظرشان می‌سنجد. مقادیر مثبت شاخص CV Com نشان‌دهنده کیفیت مناسب مدل اندازه‌گیری انعکاسی می‌باشد. شاخص CV_red معروفترین شاخص اندازه‌گیری کیفیت مدل ساختاری، شاخص استون-گایسلر است. مقادیر بالای صفر نشان‌دهنده توانایی بالای مدل ساختاری در پیش‌بینی کردن است. با توجه به مقادیر به‌دست آمده مشاهده می‌شود که هر دو شاخص دارای مقادیر قابل قبولی هستند.

برازش مدل تحقیق

معیار **GOF**: این معیار مربوط به بخش کلی مدل‌های معادلات ساختاری است. بدین معنی که توسط این معیار، محقق می‌تواند پس از بررسی برازش بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل کلی پژوهش، برازش بخش کلی را نیز کنترل نماید. مقادیر ۰.۱، ۰.۲۵ و ۰.۳۵ به ترتیب حاکی از برازش کلی ضعیف، متوسط و قوی می‌باشد. مقدار **GOF** در مدل پژوهشی حاضر، به شرح زیر می‌باشد:

$$GOF = \sqrt{Commuality * \bar{R}^2} = 0.813$$

با توجه به اینکه مقدار **GOF** برابر با ۰.۸۱۳ می‌باشد؛ بنابراین می‌توان گفت سطح برازش کلی مدل در حد عالی و قابل قبول می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

قلدری و قربانی شدن دانش‌آموزان، دو نوع از آسیب‌های اجتماعی هستند که امروزه در مدارس سراسر جهان شایع شده‌اند. بنابراین پژوهش در این حوزه و بررسی پیش‌بینی‌کننده‌های آن ضروری می‌باشد؛ لذا هدف از پژوهش حاضر نقش دلبستگی به والدین و همسالان و شفقت بر خود در پیش‌بینی قربانی شدن دانش‌آموزان مدارس متوسطه شهر تهران بود. بررسی یافته‌های پژوهش نشان داد متغیر دلبستگی مادر، همسالان به صورت مستقیم بر قربانی قلدری نوجوانان تأثیرگذار بود. در تبیین اثرات مستقیم بجز متغیر دلبستگی به پدر که رابطه تأیید نشد، مابقی روابط نمایش معکوس داشت؛ یعنی هر چه دلبستگی به مادر افزایش یابد، احساس قربانی شدن کاهش می‌یابد. در مورد دو نوع دلبستگی به مادر و دوستان در این پژوهش یک ویژگی مثبت ارزیابی شده است، به این خاطر که احساس اعتماد و قدرت ارتباط با مادر و دوستان به صورت اثرگذار است در همین حال اثر غیرمستقیم متغیرها، که در اینجا اثر دلبستگی به دوستان جای خود را به دلبستگی پدر داده است. از این روی، نتایج پژوهش حاضر با نتایج تحقیقات بیابانی علی‌آباد و همکاران (۱۳۹۵)، گادز و همکاران (۲۰۱۸)، جیو و همکاران (۲۰۲۲)، بدونا و مک گاورن (۲۰۱۹)، بالن و همکاران (۲۰۱۸) همراستا است. در تبیین تأثیرگذاری دلبستگی مادر بر قربانی قلدری نوجوان می‌توان گفت که نوجوانان به خاطر رابطه عمیق و باکیفیتی که با مادر خود دارند، قربانی شدن کمتری را گزارش می‌کنند. از آنجایی که مادر از زمان طفولیت همواره در کنار کودک باقی می‌ماند و پاسخگویی نیازهای اوست؛ به مرور زمان کودک پیوند عاطفی باثباتی با او برقرار می‌کند. این بازنمایی درونی، جزء مهمی از شخصیت می‌شود که به‌عنوان

الگوی واقعی درونی، با یک رشته انتظارات درباره‌ی در دسترس بودن شخصیت‌های دلبستگی و احتمال فراهم کردن حمایت در مواقع استرس عمل می‌کند و این تصویر ذهنی، الگو یا راهنمایی برای تمامی روابط صمیمی در آینده (کودکی تا نوجوانانی و بزرگسالی) می‌شود. نوجوان قربانی قلدری هنگامی که با قلبی شکسته و روحیه‌ای شرمسار و پر استرس به خانه برمی‌گردد، به دنبال فردی است که این ضربه‌های جسمی و روحی را در او تسکین ببخشد و به دلیل مشغله‌های کاری و فکری یک پدر، در درجه‌ی اول نوجوان با مادر خود ارتباط صمیمی‌تری برقرار می‌کند، لذا او را محرم اسرار خود قرار داده و از آنجایی که مادر با نوجوان آسیب‌دیده‌اش ابراز همدردی کرده و او را مورد نکوهش قرار نمی‌دهد، پس میزان دلبستگی بیشتر به مادر پیدا می‌کند. یافته‌های حاصل در رابطه با انواع دلبستگی و قربانی قلدری نوجوانان بیانگر آن بود که این افراد بعد از مادر به همسالان خود به میزان بیشتری دلبستگی داشتند. معمولاً روابط اولیه در درون خانواده شکل می‌گیرد، اما به موازات رشد فرد، ارتباط او با همسالان اهمیت بسیاری پیدا می‌کند (رایس، ترجمه فروغان، ۱۳۸۷؛ استکی آزاد، ۱۳۹۰) که با توجه به واقعیت‌های زندگی دوره‌ی نوجوانی و پیشینه‌های پژوهشی موجود، امروزه از پدیده‌ی زورگویی و قربانی شدن در روابط بین فردی همسالان به‌عنوان یک پدیده در حال گسترش یاد می‌شود. نوجوانانی که قربانی قلدری می‌شوند، دچار سردرگمی و ابهام نقش است و نمی‌تواند توانایی‌هایش را به پدر به‌عنوان منبع قدرت در خانواده نشان دهند. بنابراین به صورت ناخودآگاه به همسال به دلیل ترس از طرد شدن از جانب پدر در او شدت می‌گیرد و همسالان را به‌عنوان محرم اسرار و تسکین درد و رنج‌هایش انتخاب می‌کند. می‌توان علت عدم تأثیرگذاری دلبستگی به پدر بر قربانیان قلدری را در این دانست که نوجوانان قربانی قلدری، با سرزنش پدر از او دور شده و لذا با پدر تعارض پیدا می‌کنند. در این میان به دلیل آنکه عاطفه و مهر مادر از قربانی شدن یک نوجوان جلوگیری می‌کند، این نوجوان میزان دلبستگی بیشتری به مادر پیدا می‌کند که این امر نشان‌دهنده‌ی نقش مهم مادر در روابط عاطفی با فرزندان است (سامانی، ۱۳۸۵). با توجه به برجسته بودن نقش متغیرهای انواع دلبستگی (مادر و همسالان) پیشنهاد می‌شود، برنامه‌هایی مانند سخنرانی و جلسات آموزش خانواده ویژه افزایش مهارت‌های مربوط به دلبستگی می‌تواند اثرگذار باشد.

نتایج این پژوهش نشان داد که متغیر شفقت به خود بر قربانی قلدری نوجوانان تأثیرگذار می‌باشد. نتایج پژوهش حاضر با نتایج تحقیقات گانینر و همکاران (۲۰۱۶)، ژانک و همکاران (۲۰۱۹)، یعقوبی و همکاران (۱۴۰۰)، یان و همکاران (۲۰۲۲) و لیو و همکاران (۲۰۲۰) همراستاست. در تبیین نتایج پژوهش می‌توان گفت که هر چه احساس شفقت به خود بالا رود، احساس قربانی شدن کم شود، از این روی، قربانی شدن توسط همسالان ماهیتی قضاوت‌کننده و منزوی‌کننده دارد که در تضاد با شفقت به خود است که در آن فرد تلاش می‌کند نگرشی پذیرا نسبت به خود داشته باشد و خود را جزئی از جامعه‌ی بشری ببیند، فرد قربانی احساسات منفی اعم از احساس

شرم را تجربه می‌کند و میزان شفقت به خود کاهش می‌یابد، لذا یکی از مفاهیم کلیدی مرتبط با روش‌ها و راهکارهای مقابله‌ای با این هیجانات، شفقت به خود است که با پذیرفتن تجربیات منفی به‌عنوان بخشی از زندگی و مواجهه با این هیجانات به‌گونه‌ای درست و اصولی (نف و همکاران، ۲۰۰۵) و به جای سرزنش از خود به درک شرایط می‌پردازند. رشد شفقت به خود ممکن است به‌عنوان یک استراتژی تنظیم هیجان و توانایی فرد برای در تعادل نگه‌داشتن هیجانات در نوجوانانی که هدف رفتارهای پرخاشگرانه قرار می‌گیرند، عمل کند. افزایش شفقت به خود موجب می‌شود فرد اتفاقات زندگی را یک تجربه منحصربه‌فرد ببیند و عاطفه مثبت بیشتری را تجربه کند. افزون بر این، افزایش شفقت به خود با احساس بخشش و فراموشی اعمال خطا کارانه دیگران مرتبط است. بنابراین نوجوانانی که هدف رفتارهای پرخاشگرانه قرار می‌گیرند، کمتر در احساسات خود غرق می‌شوند و به احتمال خیلی کم دست به رفتارهایی بزنند که در نهایت موجب تقویت فرد عامل و ادامه رفتارهای پرخاشگرانه شود. بنابراین پیشنهاد می‌شود شفقت به خود به‌صورت برنامه آموزشی و چند رسانه‌ای در مدارس ارائه شود.

نتایج مرتبط با نقش میانجی‌گری حل مشکل، نشان داد که دلبستگی به پدر، مادر و شفقت به خود از طریق حل مشکل بر قربانی قلدری نوجوانان اثر غیرمستقیم دارد. در تبیین یافته‌ها می‌توان به این موضوع اشاره نمود که هر چه میزان دلبستگی به مادر و همسالان افزایش یابد، این میزان اثربخشی متغیر میانجی نمایش می‌دهد که قربانی قلدری نیز کاهش می‌یابد و نقش حل مشکل رخ می‌نماید که توأم شدن مهارت حل مشکل و دلبستگی به مادر و همسالان و نیز مهربانی با خود می‌تواند میزان قربانی شدن را کاهش دهد؛ یعنی یک توانمندی به‌عنوان حل مشکل فرد در زمان کوتاه می‌تواند افزون بر احساس اعتماد و ارتباط با مادر و مهربانی با خود، احساس قربانی شدن را کم کند. همچنین با افزایش میزان دلبستگی، پارامترهایی همچون اعتمادبه‌نفس، مهارت تصمیم‌گیری و مهارت حل مشکل به‌مراتب بیشتری از افراد با دلبستگی پایین خواهد بود. با در نظر گرفتن داده‌های به‌دست آمده، می‌توان به پژوهش‌هایی که در حیطه آموزش حل مسئله اجتماعی (نوعی سازه شناختی-رفتاری است که شامل جهت‌گیری مسئله و سبک‌های حل مشکل است)، بر میزان قربانی شدن توسط همسالان اشاره نمود که با نتایج پژوهش‌های اسپیلاج و لائو (۲۰۱۲)، یتمن و گاتدینر (۲۰۱۵)، بیرامی و همکاران (۱۳۹۷) و مرادی و همکاران (۱۳۹۶) و محمدی و همکاران (۱۳۹۹) همخوانی دارد. که اگر حل مشکل به‌طور موفقیت‌آمیزی انجام گیرد، نوجوان استرس و پرخاشگری کمتری را در روابط بین فردی تجربه خواهد نمود (جو، ژانگ و دنگ، ۲۰۱۵) و در مذاکره ماهرانه با دیگران توانا تر هستند و در نتیجه از قربانی شدن در برابر قلدری همسالان اجتناب می‌کنند (دبیری و همکاران، ۱۳۹۵). آموزش حل مشکل و تصمیم‌گیری که از قابلیت‌های شایستگی اجتماعی است، می‌تواند میزان قربانی شدن را کاهش دهد. در تبیین

این یافته می‌توان گفت که دلبستگی به پدر و مادر، فضایی مطمئن همراه با امنیت را برای افراد ایجاد می‌کند که در آن به تعامل بپردازد و بتواند در مواجهه و رویارویی با بحران‌ها و رخداد‌های زندگی از راهبرد کارآمد استفاده کرده و کنترل بیشتری بر آن موقعیت‌ها داشته باشد. نوجوانانی که دلبستگی به والدین دارند، در برخورد با مشکلات مقاومت کرده و در پی حل مشکل و برطرف کردن مشکل می‌باشند. در ارتباط با جای خالی نقش میانجی‌گری حل مشکل در رابطه دلبستگی همسالان با قربانی قلدری در نوجوانان، می‌توان علت را نداشتن دوستان حمایت‌گر و حضور همسالان طرد شده دانست؛ چرا که رابطه دوستانه و حمایت‌گر همسالان نقش مهمی در حل مشکل ایفا می‌کند. همچنین نقش میانجی‌گری حل مشکل در رابطه بین شفقت به خود و قربانیان قلدری در این دانست که نوجوانان برخوردار از ویژگی شفقت به خود، در حل تعارضات بین فردی ماهرانه‌تر عمل می‌کنند. بنابراین افزایش مهارت‌های حل مشکل باعث می‌شود دانش-آموز بتواند رابطه خود را با فرد قلدر مدیریت نماید و به اصطلاح از خود نقطه ضعفی نشان ندهد که دستمایه اذیت و آزار دانش‌آموزان قلدر قرار گیرد. بنابراین شناسایی دانش‌آموزان آسیب‌دیده در روابط همسالان و ارتقا بخشیدن به مهارت‌های آنان به مشاوران مدرسه توصیه می‌شود. با توجه به اهمیت و ضرورت بررسی عوامل پیش‌بینی‌کننده قربانی شدن دانش‌آموزان در مدارس، روان‌شناسان و مشاوران مدرسه می‌بایست عوامل خطرناک و محافظتی مرتبط با قلدری را شناسایی کنند و درصدد استانداردهایی را برای مدل‌هایی مشاوره‌ای و مداخله‌های آموزشی و درمانی پایه‌گذاری کنند (خامیس، ۲۰۱۵) و همچنین ضروری به نظر می‌رسد تا آموزش مقابله با رفتارهای قلدرانه برای دانش‌آموزان و کارگاه‌هایی به منظور آشنایی والدین با این‌گونه رفتارهای دانش‌آموزان و نحوه کمک به فرزندانشان در این رابطه برگزار شود. بر اساس یافته‌های مهم این پژوهش، از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به استفاده از نوجوانان با رده سنی ۱۲ تا ۱۵ در شهر تهران اشاره کرد که باعث می‌شود نتایج تنها برای همان گروه سنی و در همان شهر تعمیم‌پذیر باشد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود پژوهش در دیگر گروه‌های سنی و در دیگر شهرها و جوامع آماری با ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی متفاوت بررسی شود و نتایج حاصل با نتایج تحقیق حاضر مقایسه شود. به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که در آینده مطالعاتی را طرح‌ریزی کنند که رابطه انواع دلبستگی، شفقت به خود و قربانی قلدری نوجوانان را با متغیرهای مختلف از جمله ارتباط با مدرسه، کیفیت زندگی، حمایت اجتماعی ادراک شده و ویژگی‌های شخصیتی مورد بررسی قرار دهند.

فهرست منابع

- Akbari Balootbangan, A., Nikdel, F., Moltafet, G., & Kohisoq, S. (2019). The Role of Attachment Styles and Self-efficacy in Predicting Bullying and Victimization of Students in Secondary Schools. *Rooyesh-e-Ravanshenasi*

- Journal (RRJ)*, 8(5), 85-92.
<http://dorl.net/dor/20.1001.1.2383353.1398.8.5.12.6> (Text in Persian)
- Arnarsson, A., Nygren, J., Nyholm, M., Torsheim, T., Augustine, L., Bjereld, Y., . . . Nielsen, L. (2020). Cyberbullying and traditional bullying among Nordic adolescents and their impact on life satisfaction. *Scandinavian journal of public health*, 48(5), 502-510. <https://doi.org/10.1177/1403494818817411>
- Atkinson, R., Atkinson, R., Smith, E., Bam, D., & Nolen Hoeksema, S. (2004). *Hilgard's Introduction to Psychology* (Y. Karimi, M. Shahraray, B. Birask, M. Baraheni, M. Beik, N. Gahan, ., & M. M. Bonab, Trans.). Tehran: Roshd publication.
- Balan, R., Dobrean, A., & Balazsi, R. (2018). Indirect effects of parental and peer attachment on bullying and victimization among adolescents: The role of negative automatic thoughts. *Aggressive behavior*, 44(6), 561-570. <https://doi.org/10.1002/ab.21775>
- Balan, R., Dobrean, A., & Balazsi, R. (2022). From victims to perpetrators of bullying: the role of irrational cognitions, externalizing problems, and parental attachment. *Journal of interpersonal violence*, 37(19-20), NP19149-NP19166. <https://doi.org/10.1177/088626052111043583>
- Beduna, K. N., & Perrone-McGovern, K. M. (2019). Recalled childhood bullying victimization and shame in adulthood: The influence of attachment security, self-compassion, and emotion regulation. *Traumatology*, 25(1), 21. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/trm0000162>
- Bensimon, M. (2017). Victimization in light of self-compassion: Development towards communal compassion. *Aggression and violent behavior*, 35, 44-51. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1016/j.avb.2017.06.002>
- Beyrami, M., Hashmi, T., Mirnasab, M., & Koliyaei, L. (2016). The Effectiveness of Social Competence Training based on Felner Model on Resilience and Rate of Victimization of Students Who Are Bullying Victims. *Journal of counseling research*, 15(59), 119-141. Retrieved from <http://irancounseling.ir/journal/article-1-82-fa.html> (Text in Persian)
- Biabani Aliabad, H., Asadi, S., & Barzegar Bafruee, K. (2017). Comparison of Attachment to Parents, Peers and Siblings in the Involved and Noninvolved Adolescents in Bullying. *Journal of Family Research*, 12(3), 369-390. Retrieved from https://jfr.sbu.ac.ir/article_97403_8505802478dc0c700d0e0c2abaa971c2.pdf (Text in Persian)
- Bluth, K., & Blanton, P. W. (2014). Mindfulness and self-compassion: Exploring pathways to adolescent emotional well-being. *Journal of child and family studies*, 23, 1298-1309. <https://doi.org/10.1007/s10826-013-9830-2>
- Chalmeh, R. (2013). Psychometrics Properties of the Illinois bullying scale (IBS) in Iranian students: validity, reliability and factor structure. *Psychological Methods and Models*, 3(11), 39-52. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.22285516.1392.3.11.3.5> (Text in Persian)
- Chen, L.-M., Wang, L.-C., & Sung, Y.-H. (2018). Teachers' recognition of school bullying according to background variables and type of bullying. *Journal of Educational, Cultural and Psychological Studies (ECPS Journal)*(18), 147-163. <http://dx.doi.org/10.7358/ecps-2018-018-chen>
- Cho, S., & Park, I. (2022). Explaining the patterns of bullying victimization trajectories: assessing the generality of low self-control and crime opportunity models to bullying victims. *International journal of offender therapy and comparative criminology*, <https://doi.org/10.1177/0306624x221102793>



- Dabiri, S., Beyrami, M., Hashemi, N., & Badri Gargari, R. (2016). The effects of social capability training based on Felner on social adjustment of victims of bullying student according to orientation of social goals. *Journal of Clinical Psychology*, 15(95), 119-141. <https://doi.org/10.22054/jcps.2016.4555>
- Ding, Y., Li, D., Li, X., Xiao, J., Zhang, H., & Wang, Y. (2020). Profiles of adolescent traditional and cyber bullying and victimization: The role of demographic, individual, family, school, and peer factors. *Computers in Human Behavior*, 111, 106439. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1016/j.chb.2020.106439>
- Espelage, D. L., & Low, S. (2013). Bullying Among Children and Adolescents: Social-Emotional Learning Approaches to Prevention. In *School Rampage Shootings and Other Youth Disturbances* (pp. 205-219): Routledge.
- Estaki, M., Kochak Entezar, R., & Zadkhoot, L. (2016). Effectiveness of integrating multisensory training and sensory integration on signs of reading and writing among students at elementary schools. *Empowering Exceptional Children*, 7(1), 95-106. (Text in Persian)
- Gonynor, K. A. (2016). *Associations among mindfulness, self-compassion, and bullying in early adolescence*. Colorado State University,
- Guedes, M., Santos, A. J., Ribeiro, O., Freitas, M., Rubin, K. H., & Veríssimo, M. (2018). Perceived attachment security to parents and peer victimization: Does adolescent's aggressive behaviour make a difference? *Journal of Adolescence*, 65, 196-206. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1016/j.adolescence.2018.03.017>
- Guo, J., Zhu, Y., Fang, L., Zhang, B., Liu, D., Fu, M., & Wang, X. (2022). The relationship between being bullied and addictive internet use among Chinese rural adolescents: The mediating effect of adult attachment. *Journal of Interpersonal Violence*, 37(9-10), <https://doi.org/10.1177/0886260520966681>
- Hamilton, L. D., Newman, M. L., Delville, C. L., & Delville, Y. (2008). Physiological stress response of young adults exposed to bullying during adolescence. *Physiology & Behavior*, 95(5), 617-624. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1016/j.physbeh.2008.09.001>
- Hawker, D. S., & Boulton, M. J. (2000). Twenty years' research on peer victimization and psychosocial maladjustment: A meta-analytic review of cross-sectional studies. *The Journal of Child Psychology and Psychiatry and Allied Disciplines*, 41(4), 441-455.
- Ireland, J. L., & Power, C. L. (2004). Attachment, emotional loneliness, and bullying behaviour: A study of adult and young offenders. *Aggressive Behavior: Official Journal of the International Society for Research on Aggression*, 30(4), 298-312. <https://doi.org/doi:10.1002/ab.20035>
- Jalili, A., Hejazi, M., Entesar Foumani, G., & Morovati, Z. (2018). The relationship between meta-cognition and academic performance with mediation role of problem solving. *Quarterly Journal of Child Mental Health*, 5(1), 80-91. (Text in Persian)
- Jiang, Y., You, J., Hou, Y., Du, C., Lin, M.-P., Zheng, X., & Ma, C. (2016). Buffering the effects of peer victimization on adolescent non-suicidal self-injury: The role of self-compassion and family cohesion. *Journal of Adolescence*, 53, 107-115. <https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2016.09.005>
- Ju, C., Zhao, F., Zhang, B., & Deng, J. (2015). Effects of fathering style on social problem-solving among Chinese teenagers: The roles of masculine gender stereotypes and identity. *Personality and Individual Differences*, 77, 124-130. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1016/j.paid.2014.12.037>
- Khamis, V. (2015). Bullying among school-age children in the greater Beirut area: Risk and protective factors. *Child abuse & neglect*, 39, 137-146. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1016/j.chiabu.2014.08.005>

- Khosravi, S., Sadeghi, M., & Yabande, M. (2013). Translation and validation of self-compassion. *Psychological Ways and Models*, 3(13), 47-59. (Text in Persian)
- Khosravi, z., Darvizeh, z., & Rafatti, m. (1998). The Role of Mood State on Self – Appraisal of Problem. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 4(1), 35-46. Retrieved from <http://ijpcp.iuums.ac.ir/article-1-1721-fa.html> (Text in Persian)
- Kokkinos, C. M. (2013). Bullying and victimization in early adolescence: Associations with attachment style and perceived parenting. *Journal of school violence*, 12(2), 174-192. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1080/15388220.2013.766134>
- Ledford, H. (2018). Who exactly counts as an adolescent? *Nature*, 554(7690), 429-432. <https://doi.org/10.1038/d41586-018-02169-w>
- Lee, K. S., & Vaillancourt, T. (2018). Longitudinal associations among bullying by peers, disordered eating behavior, and symptoms of depression during adolescence. *JAMA psychiatry*, 75(6), 605-612. <https://doi.org/10.1001/jamapsychiatry.2018.0284>
- Lewis, H. B. (1971). Shame and guilt in neurosis. *Psychoanalytic review*, 58(3), 419.
- Liu, Q.-Q., Yang, X.-J., Hu, Y.-T., & Zhang, C.-Y. (2020). Peer victimization, self-compassion, gender and adolescent mobile phone addiction: Unique and interactive effects. *Children and Youth Services Review*, 118, 105397. <https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2020.105397>
- Meeus, W. (2016). Adolescent psychosocial development: A review of longitudinal models and research. *Developmental Psychology*, 52(12), 1969. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/dev0000243>
- Mohamadi, F., Hosseinian, S., Yazdi, S. M., & MardaniRad, M. (2022). The Mediating Role of Anger in Relationship with Perceived Social Support and Cyber Bullying-Victimization Girl Adolescents. *The Women and Families Cultural-Educational*, 17(60), 131-153. (Text in Persian)
- Mohammadi, D., Badri, R., FathiAzar, F., & Nemati, S. (2021). The Effectiveness of Forgiveness Training Program on Increasing Academic well-being in Victims of Bullying Students. *Quarterly of Applied Psychology*, 15 (3): 565, 591, 2. <https://doi.org/10.52547/apsy.2021.222731.1084> (Text in Persian)
- Moradi, A., & Ghobadi, K. (2020). Effect of creativity training on problem solving skills and comparison with play method in preschool children. *Journal of Psychological Science*, 19(85), 57-69. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.17357462.1399.19.85.8.4> (Text in Persian)
- Moradi, M., & Aghdasi, A. (2017). The effectiveness of critical thinking and problem solving skills on self-regulation and academic achievement strategies of high school students. *Journal of Woman and Study of Family*, 28(7), 144-129. (Text in Persian)
- Moradi, M., Zafar, M., & Rezaei, A. (2017). The effect of problem solving skills training in group work on decreasing depression rate and victimization rate of bullying victimization's students. *Scientific research quarterly journal of cognition*, 4(1), 76-88. (Text in Persian)
- Musarezaie, A., Momeni-Ghalehghasemi, T., Musarezaie, N., Moeini, M., & Khodae, M. (2014). Investigate the Prevalence of Depression and its association with Demographic variables in employees. *Iranian Journal of Psychiatric Nursing*, 2(3), 37-45. (Text in Persian)
- Neff, K. D. (2003). The development and validation of a scale to measure self-compassion. *Self and identity*, 2(3), 223-250. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1080/15298860309027>



- Neff, K. D., Hsieh, Y.-P., & Dejjterat, K. (2005). Self-compassion, achievement goals, and coping with academic failure. *Self and identity*, 4(3), 263-287. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1080/13576500444000317>
- Ng, E. D., Chua, J. Y. X., & Shorey, S. (2022). The effectiveness of educational interventions on traditional bullying and cyberbullying among adolescents: A systematic review and meta-analysis. *Trauma, Violence, & Abuse*, 23(1), 132-151. <https://doi.org/10.1177/1524838020933867>
- Pakdaman, S, Kakavand, A, and Ghanbari, S. (2011). Quality of attachment and behavioral-emotional problems in adolescents: investigating the role of fathers. *Applied Psychology Quarterly*, 5(2), 85-100. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.20084331.1390.5.2.2.9> (Text in Persian)
- Rehm, J., & Shield, K. (2019). January 1). Global burden of disease and the impact of mental and addictive disorders. *Current Psychiatry Reports. Current Medicine Group LLC, 1*. <https://doi.org/10.1007/s11920-019-0997-0>
- Rice, F. (2001). *Human development, developmental psychology from birth to death* (M. Foroughan, Trans.). Tehran: Arjmand press.
- Samani, S. (2006). Comparing the level of attachment to father, mother and friends in a group of middle school students in Shiraz. *Journal of Social Sciences and Humanities of Shiraz University*, 49, 99-111. (Text in Persian)
- Samiee Zafarghandi, P. D., M., & Zare' Bidaki, L. (2021). The Relationship between Family Environment, Social Skills, and Problem Solving among Female High School Students. *Quarterly Journal Of Family and Research*, 17(4), 61-82. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.26766728.1399.17.4.4.2>
- Shujja, S., & Atta, M. (2011). Translation and validation of Illinois Bullying Scale for Pakistani children and adolescents. *Pakistan Journal of Social and Clinical Psychology*, 9, 79.
- Smith, P. K., López-Castro, L., Robinson, S., & Görzig, A. (2019). Consistency of gender differences in bullying in cross-cultural surveys. *Aggression and violent behavior*, 45, 33-40. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1016/j.avb.2018.04.006>
- Swanson, S. A., Crow, S. J., Le Grange, D., Swendsen, J., & Merikangas, K. R. (2011). Prevalence and correlates of eating disorders in adolescents: Results from the national comorbidity survey replication adolescent supplement. *Archives of general psychiatry*, 68(7), 714-723. <https://doi.org/10.1001/archgenpsychiatry.2011.22>
- Swearer, S. M., & Hymel, S. (2015). Understanding the psychology of bullying: Moving toward a social-ecological diathesis–stress model. *American Psychologist*, 70(4), 344. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/a0038929>
- Walters, G. D., & Espelage, D. L. (2018). From victim to victimizer: Hostility, anger, and depression as mediators of the bullying victimization–bullying perpetration association. *Journal of school psychology*, 68, 73-83. <https://doi.org/10.1016/j.jsp.2017.12.003>
- Whitman, C. N., & Gottdiener, W. H. (2015). Implicit coping styles as a predictor of aggression. *Journal of Aggression, Maltreatment & Trauma*, 24(7), 809-824. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1080/10926771.2015.1062447>
- Wu, X., Zhen, R., Shen, L., Tan, R., & Zhou, X. (2023). Patterns of elementary school students' bullying victimization: roles of family and individual factors. *Journal of interpersonal violence*, 38(3-4), 2410-2431. <https://doi.org/10.1177/08862605221101190>
- Xu, Y., Zhang, W., Yu, C., Su, P., Liu, S., & Zhen, S. (2017). Parental corporal punishment and adolescent anxiety and depression: The mediating effects of peer victimization and the moderating effects of parent-child relationship. *Psychological Development and Education*, 33(4), 457-467. <https://doi.org/10.16187/j.cnki.issn1001-4918.2017.04.10>

- Yaghoubi, S., Birashk, B., Aghebati, A., & Ashouri, A. (2021). Mediating Role of External Shame and Self-compassion in the Relationship Between Peer Victimization and Depression in Adolescents. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 27(1), 16-31. <http://dx.doi.org/10.32598/ijpcp.27.1.3288.1> (Text in Persian)
- Yan, R., Xie, R., Jiang, M., Li, J., Lin, X., & Ding, W. (2022). Longitudinal relationship between bullying victimization and depression among left-behind children: roles of negative thoughts and self-compassion. *Frontiers in psychology*, 13, 852634. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2022.852634>
- Yarnell, L. M., & Neff, K. D. (2013). Self-compassion, interpersonal conflict resolutions, and well-being. *Self and identity*, 12(2), 146-159. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1080/15298868.2011.649545>
- Zhang, H., Chi, P., Long, H., & Ren, X. (2019). Bullying victimization and depression among left-behind children in rural China: Roles of self-compassion and hope. *Child abuse & neglect*, 96, 104072. <https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2019.104072>



© 2022 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons AttributionNoncommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).